

کرامت و بزرگواری

بی جهت نیست که به امام حسن مجتبی (ع) «کریم اهل بیت»، لقب داده‌اند. این لقب، زینده آن جناب است؛ کرامت و بزرگواری و بخشندگی آن حضرت، ایشان را شایسته اختصاص این عنوان کرده است.

شخصی به نام «انس بن مالک» می‌گوید: من هیچ کس را شبیه‌تر از حسن بن علی (ع) به رسول خدا (ص) ندیدم. روزی در خدمت آن حضرت بودم؛ کنیزی، دسته گلی خدمت آن بزرگوار تقدیم کرد. حضرت، دسته گل را گرفت و فرمود: «تو را در راه خدا آزاد کردم!»

من از این معامله تعجب کردم؛ دادن یک دسته گل، چه ارزشی دارد که آزادی کنیز را به دنبال داشته باشد؟ لذا به آن حضرت، این شگفتی خود را ابراز کردم. حضرت، چون تعجب مرا شنیدند، فرمودند:

«خداوند ما را این گونه تربیت کرده است. قرآن فرموده است که: وقتی کسی شما را احترام کرد، به گونه‌ای بهتر، او را پاسخ گویند و بهتر از دادن یک دسته گل، آزادی کنیز بود.»

کرامت و بزرگواری در کتب معتبره

زمانی که آذربایجان در اشغال روس‌ها بود، کنسولگری روسیه، اختیارات ویژه‌ای داشت و هم‌چون کشوری فاتح با مردم آذربایجان برخورد می‌کرد.

مسئول بهداری ارومیه، به دلیل وضعیت شغلی خاص خود، به نوعی از احترام مردم بهره‌مند بود. به نقل از این مسئول بهداری - که در حقیقت از مقامات استان شمرده می‌شد - آورده‌اند: روزی یکی از اعضای کنسولگری روسیه به نام «هاشموف» قرآنی را از جیب خود درآورد و گفت:

«زمانی که می‌خواستیم به ایران بیایم، مادرم این قرآن را به من داد و مرا به این قرآن، سوگند داد که با مسلمانان رفتاری خوش داشته باشم و من به احترام این قرآن به سوگند مادرم عمل می‌کنم.»

یکی از مورخان از این حرف «هاشموف» این نتیجه را می‌گیرد که سلطه ده‌ها ساله کمونیسم بر جامعه شوروی - که حالا بایستی آن را شوروی سابق عنوان کرد - اگرچه توانست برخی از لایه‌های ظاهری جامعه را تغییر بدهد، اما نتوانست لایه‌هایی که تاروپود آن را اعتقاد دینی تشکیل می‌داد، از هم بگسلد.